

## ۱۴ سال دوری از مشهد



مسیر فوتبالی سمانه باتیم بال گستر مازندران در لیگ برتر شروع و بعد از قهرمانی با این تیم، به تیم ملی فوتبال بانوان کشور دعوت شد. سمانه تا همین یک سال پیش، عضو تیم ملی کشور بوده است. ولی امسال از او دعوت نکردند که به این تیم پیوندد. اومی گوید: مسئولان از من خواستند که باتوجه به سنم، فشار برای جوان ترها باز کنم. حضور در تیم ملی فوتبال بانوان ایران برایم بسیار ارزشمند بوده است. امیدوارم بتوانم در مسابقات بین المللی، بازی خدا حافظی خوبی باتیم ملی داشته باشم.

او حالا سال هاست که عضو تیم خاتون بم است. چهارده سال دوری از مشهد برای سمانه کنار تجربه های ارزشمند، سختی های خاص خودش را هم داشته است. اومی گوید: به خاطر علاقه ای که به فوتبال ورسیدن به اهدافم داشتم و دارم، چهارده سال است که در بم زندگی می کنم و همراه این تیم، قهرمانی های بسیاری به دست آورده ام. مشهد با وجود استعداد های درخشانش متأسفانه نتوانسته یک تیم در لیگ برتر داشته باشد. همین باعث می شود که دختران مشهدی در تیم های سراسر کشور پخش شوند. جای یک تیم خوب از مشهد در لیگ برتر خالی است و امیدوارم مسئولان این شهر، نگاه ویژه تری به دختران فوتبالیست اینجاست داشته باشند.

## هنوز برای خدا حافظی زود است



سمانه چند وقتی است که به خدا حافظی با مستطیل سبز فکر می کند؛ ولی دوری از این میدان و هیجان فوتبال برایش خیلی سخت است. اومی گوید: بعضی وقت ها به خودم می گویم بازی را کنار بگذارم و خستگی رفع کنم؛ ولی زمانی که یک هفته تمرین نمی کنم، آن چنان حالم بد می شود که تمام این افکار را دور می ریزم. فوتبال سال هاست که بخشی از هویت من شده است و نمی توانم به این راحتی ها آن را کنار بگذارم. او حالا که به پایان دوره بازی اش نزدیک شده است، می خواهد برای مربیگری برنامه ریزی کند و در این حوزه هم تجربه هایی دارد. اومی گوید: تجربیاتی که در این سال ها در میادین مختلف کسب کرده ام، کمک می کند تا با اعتماد به نفس بیشتری سراغ مربیگری بروم و در این سال ها دوره مربی المپیاد دختران کمتر از چهارده سال بوده و نتوانسته ام با این تیم برای اولین بار مقام سوم کشوری را به دست آورم. همچنین تجربه ای باتیم کیان نیشابور دارم و به عنوان مربی و بازیکن در این تیم فعالیت داشتم و نتوانستم این تیم را به لیگ برتر کشور بیاورم.

یکی از آرزوهای مهم سمانه این است که پدر و برادرش در دیدار خدا حافظی او حضور داشته باشند و برای اولین بار به صورت مستقیم بازی او را در استاد یوم ببینند.



## بخشی از کارنامه ورزشی سمانه چهکندی

- کسب مقام سومی در اولین دوره مسابقات فوتبال کشورهای مسلمان در ایران، سال ۱۳۸۷
- کسب مقام سومی در تورنمنت روسیه باتیم ملی فوتسال کشور در روسیه، سال ۱۳۸۹
- کسب مقام قهرمانی غرب آسیا باتیم ملی فوتسال در بحرین، سال ۱۳۹۰
- اخذ مدرک مربیگری بدن سازی پیشرفته فوتسال، سال ۱۳۹۱
- صعود به مرحله دوم مقدماتی المپیک توکیو در تایلند، سال ۱۳۹۷
- حضور برای اولین بار در فوتبال جام ملت های آسیا در ازبکستان، سال ۱۴۰۰
- صعود به مرحله دوم مقدماتی فوتبال المپیک پاریس در میانمار، سال ۱۴۰۲
- عضویت در تیم ملی بانوان به مدت ۱۵ سال
- عضویت در تیم ملی فوتسال بانوان به مدت ۳ سال
- کسب ۹ مقام قهرمانی در لیگ برتر فوتبال بانوان باتیم خاتون بم

## ملیکا خاطره تلخ زندگی ورزشی من است



همه قهرمانی ها و مسابقات بین المللی، برای سمانه پر از خاطرات خوب است. صعود تیم ملی بانوان برای اولین بار به جام ملت های آسیا، صعود به مرحله دوم مقدماتی المپیک توکیو همراه باتیم ملی و سایر افتخاراتی که در این سال ها به دست آورده، هر لحظه اش برای او خاطره است. اما خاطره تلخ او در این سال ها، از دست دادن هم تیمی و هم اتفاقی اش در تیم خاتون بم، ملیکا محمدی است. سمانه با بغض می گوید: ملیکا ساکن آمریکا بود و به ایران آمده بود تا برای تیم ملی کشورمان بازی کند. چند سالی که در ایران بود، به تیم خاتون بم پیوست و هم اتفاقی بودیم. او بر اثر تصادف فوت کرد. در این مدت که همراه هم بودیم، درس های زیادی از او یاد گرفتم و از دست دادنش تلخ ترین خاطره زندگی ورزشی من است.

## دختران تیم ملی را حمایت کنیم



● نوجوان که بودی، کجاها تمرین می کردی و برای رسیدن به لیگ چقدر تلاش کردی؟

باید خیلی تلاش کرد به ویژه در مشهد. من روحیه جنگجویی دارم و برای رسیدن به هدفم از هیچ تلاشی دست بر نمی دارم. آن زمان برای تمرین، زمین چمن در اختیار دخترهای مشهدی قرار نمی گرفت. تنها سالی که می توانستیم در آن تمرین کنیم، سالن کوثر در قاسم آباد بود. راه دور بود و من هم نوجوان بودم؛ با این حال هیچ وقت تمرین را رها نکردم. به بوستان ملت می رفتم و بخشی از تمریناتم را آنجا انجام می دادم. علاوه بر این همراه پدر و مادرم در همین محدوده ششصد دستگاه و در فضای سبز آن یاروی آسفالت، تمرین می کردم. برای رسیدن به تیم ملی و بازی در لیگ دسته یک، هر کاری از دستم بر می آمد، انجام دادم و خوشحالم که جایی برای افسوس نگذاشته ام. در حال حاضر دخترها امکانات بیشتری در اختیار دارند. از سالن بدن سازی گرفته تا زمین چمن.

● فوتسال یا فوتبال؛ کدام را بیشتر دوست داری؟

درست است که با فوتسال شروع کردم، ولی از همان اول به فوتبال علاقه داشتم. به نظرم فوتسال برای تفریح خوب است و باید فوتبال را به صورت حرفه ای دنبال کرد. این ورزش را به خاطر هیجانش دوست دارم. به قول دوستانم اگر از من آزمایش اعتیاد بگیرند، مشخص می شود که به فوتبال اعتیاد دارم. چون رشته ای هیجانی است که تحرک زیادی دارد. هیجان این رشته آن قدر زیاد است که حتی کسانی که خودشان این رشته را بازی نمی کنند، زمانی که تیم ملی مسابقه دارد، پای تلویزیون می نشینند و رقابت را نگاه می کنند. همین هیجان باعث شد که از کودکی به این رشته علاقه پیدا کنم و نتوانستم در آن موفق شوم. اگر به گذشته برگردم، باز هم این رشته را انتخاب می کنم.

● چقدر در مشهد تو را می شناسند؟

باتوجه به اینکه بازی های ما از تلویزیون پخش نمی شود، چندان شناخته شده نیستیم و تعداد کمی از فوتبالی ها من را می شناسند. خیلی از دخترها حتی هنوز نمی دانند که بانوان می توانند فوتبال بازی کنند و به تیم ملی دعوت شوند.

● دوست داری چه کاری برای هم محلی هایات انجام دهی؟

دوست دارم به مدرسه ام، شهدای بانک صادرات بروم و اگر دانش آموزان آنجا به این رشته علاقه داشتند، راهنمایی شان کنم که چطور این مسیر را دنبال کنند. خودم از همان جاشروع کردم و این را برای هم محلی های نیز می خواهم.

● از مسئولان مشهد چه خواهسته ای داری؟

از مسئولان شهر می خواهم که بیشتر هوای ورزشکاران به ویژه ورزش بانوان را داشته باشند. دختران جوانی که این رشته را انتخاب می کنند، نیاز به حمایت مسئولان و دیده شدن دارند. از طرفی می خواهم دخترانی را که از مشهد به تیم ملی راه پیدا کرده اند، در سازمان های مختلف استخدام کنند. این اقدام برای تعدادی از همبازی هادر شهرهای دیگر انجام شده است.